

## جهانی شدن و نوشوندگی نظم جهانی:

مدیریت گفتگو و آمیزش  
تمدن‌ها در رویکردی  
سیستمی

بخش سوم

دکتر نظام‌الدین فقیه  
استاد دانشگاه شیراز

گرچه آنتروپی، به ظاهر بعنوان مقوله‌ای نو در سیستم‌های اجتماعی، به تازگی مورد توجه دانشمندان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است ۱۷۵-۱۷۱، لیکن می‌توان گفت که این مفهوم به بهترین وجه ممکن برای توصیف وضع آنتروپیک تاریخی استبداد شرقی، در کتاب کلیله و دمنه (باب برزویه طیبی) زیر عنوان «ادبار»-واژه‌ای مناسب برای بیان مفهوم عمومی آنتروپی- آمده است:

«می‌بینم که کارهای زمانه میل به ادبار دارد و چنانستی که خیرات مردمان را وداع کرده است و افعال ستوده و اخلاق پسندیده مدروس گشته و راه راست بسته و طریق ضلالت گشاده و عدل ناپیدا و جور ظاهر و علم متروک و جهل مطلوب و لوژم و دنائت مستولی و کرم و مروّت منزوی و دوستیها ضعیف و عداوتها قوی و نیکمردان رنجور و مستذل و شیران فارغ و محترم و مکر و خدیعت بیدار و وفا و حریت در خواب. دروغ مؤثر و مثمر و راستی مردود و مهجور و حق منهزم و باطل مظفر و متابعت هوا سنت متبوع و ضایع گردانیدن احکام خرد طریق مشروع و مظلوم محق ذلیل و ظالم مبطل عزیز و حرص غالب و قناعت مغلوب و عالم غدار، بدین معانی شادمان و به حصول این ایواب، تازه و خندان.»<sup>۱۷۶</sup>

به راستی که می‌توان عبدالله ابن مقفع (عبدالله روزبه که در اصل از مردمان فیروز آباد فارس است)، این اندیشمند و وطن پرست ایرانی را که (باب برزویه طیبی در کلیله و دمنه، به گفته بسیاری از دانشمندان ایرانی و اروپایی ساخته خود اوست)، از نخستین کسانی دانست که «گفتگوی تمدن‌ها» را راه نجات می‌دانسته و در عمل، اطلاعات را برای مقابله با آنتروپی یا «ادبار»، بعنوان داروی درمان برگزیده و تجویز می‌کرده است؛ زیرا هموست که کتابهای بسیاری را از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه و تألیف کرده است از قبیل: کلیله و دمنه، خدای نامه (سیرالملوک که یکی از مآخذ اصلی فردوسی در نظم شاهنامه بوده)، کتاب «آئین نامه» در عادات و آداب ایرانیان، «التاج» در سیرت انوشیروان، «الدرّة الیتمیه و الجواهر التمنیه» در

اخبار بزرگان نیکوکار، «کتاب مزدک» که از پهلوی به عربی ترجمه کرده است، «نامه تنسره به گشنسب»، «الادب الصغیر والادب الکبیر» دو رساله کوچک حاوی کلمات حکمت آمیز در اخلاق و حسن معاشرت، اولی در پیرامون سیاست اجتماع و تهذیب نفس و عادت آن به اعمال صالح و معرفت خالق و دومی منقسم بر دو باب است: باب نخست خطابی است به سلطان و ارتباط او با رعیت و ارتباط رعیت با او، و باب دوم در باب دوستان. در هر دو رساله تأثیر فرهنگ ایرانی و یونانی و هندی مشهود است. کار نهایی او «رساله الصحابه» است که این رساله را ابن مقفع برای ابوجعفر منصور نوشته و بیانی است در نقد نظام حکومتی و وجوه اصلاح آن بر مبنای تشکیلات حکومت ایرانی. درباره رساله اخیر، طه حسین محقق و منتقد بزرگ مصری چنین اظهار نظر کرده است: «ابن مقفع کتابی شگفت به نام رساله الصحابه نگاشته که بی گمان در نوع خود بی نظیر است... علت قتل ابن مقفع نه زندقه بود و نه داستان نگارش زهار نامه که به افسانه بیشتر شبیه است؛ اما او را رساله‌ای است که گمان می‌کنم سبب قتلش همان بوده باشد، زیرا این رساله که خطاب به منصور نوشته شده تقریباً بر نامه یک انقلاب است». ابن مقفع را ناشر حکمت یونانی و انتقال دهنده فرهنگ ایرانی به زبان عربی دانسته‌اند. بیهوده نیست که عباس اقبال، ضمن ذکر اسامی مترجمان آثار پهلوی به عربی، ابن مقفع را امام همگی آنان نامیده است. ابن مقفع به تحریک دشمن کینه توز خود، امیر بصره، ابوسفیان بن معاویه، و موافقت ابوجعفر منصور خلیفه در سی و شش سالگی کشته شد و این بود سر نوشت یکی از نخستین مبتکران و پیشقراولان تاریخی گفتگوی تمدن‌ها در سایه استبداد شرقی؛ اگر چه او بعنوان یک ایرانی وطن پرست، انسان دوست و آزاداندیش، با آثار ادبی خود و تزریق اطلاعات، موجب تقویت روحیه و عاطفه قومی ایرانیان بر ضدّ اعراب گردید و نیز به توبه خود، اندیشه‌های تازه و شیوه نشر او در شکوفایی فرهنگ و زبان عربی تأثیر فراوان داشت و سرمشق بسیاری از نویسندگان عرب شد. ۱۷۷، ۱۸۴

بسیاری از کشورهای جنوب، کامیاب و وضع آنتروپیک، بعنوان میراثی تاریخی، رو بهرو هستند و

چنانچه در کاهش یا تعدیل آن نکوشند، بیم آن می‌رود که با خطر حاشیه‌نشینی در دهکده جهانی مواجه شوند و همچنان که زاغه‌نشینان حاشیه شهرها، در عمل، شهروندان گفتگوگری را در مجموعه بافت شهری تشکیل نمی‌دهند، توفیقی شایسته و بایسته برای ایفای نقش در فرآیند آمیزش و گفتگوی جهانی کسب نکنند.

سرزنش و تنقید سیستمهای بسته، همچون روستاهای خودکفا و پراکنده که هر روستا خود دنیای کوچکی را تشکیل دهد و سازمانی یکسره جداگانه، بسته و منزوی داشته باشد (که این نیز خود از ویژگیهای تاریخی استبداد شرقی است)،<sup>۱۸۵</sup> پدیده‌ای جدید یا متعلق به دوران کنونی نیست و برای مثال ربطی به نوگرایی ندارد؛ نمونه بارز آن را می‌توان در دیوان مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی دید:<sup>۱۸۶</sup>

ده مروده مرد را احمق کند

عقل را بی نور و بی رونق کند

قول پیغمبر شنوای مجتبی

گور عقل آمد وطن در روستا

هر که در روستا بود روزی و شام

تا به ماهی عقل او نبود تمام

تا به ماهی احمقی با او بود

از حشیش ده جز اینها چه درود

وانکه ماهی باشد اندر روستا

روزگاری باشدش جهل و عما

ده چه باشد شیخ و اصل ناشده

دست در تقلید و حجت در زده

پیش شهر عقل کلی این حواس

چون خران چشم بسته در خراس

این رهاکن صورت افسانه گیر

هل تو در دانه تو گندم دانه گیر

پیامدهای چنین وضعی، بویژه با توجه به آنچه

پیشتر درباره اتخاذ روشهای غیردموکراتیک در

برخی کشورهای غربی به بهانه تروریسم گفته شد،

می‌تواند برای جهان بسیار جدی و وخیم باشد.

شکل‌گیری اوضاع جهان در فرآیند جهانی شدن و

پدید آمدن دهکده جهانی که از هم‌اکنون يك کشور

در نقش کدخدا و دیگری در نقش نایب و معاون اول

کدخدا و بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی

بعنوان هواداران، چاکران و ملازمان رکاب، ظاهر

می‌شوند، وضع استبداد تاریخی شرق را به ذهن متبادر می‌کند و مقایسه تطبیقی آن با این اوضاع در شرف تکوین را پیش می‌آورد. ویژگی بارز استبداد شرقی عبارت بود از اینکه (۱) امور عمومی بر عهده حکومت مرکزی بود و (۲) صرف نظر از چند شهر بزرگ، سراسر قلمرو فرمانروایی به روستاهایی تقسیم می‌شد که دارای سازمانهایی یکسره بسته، منزوی و جداگانه بودند؛ هر روستا خود، دنیای کوچکی را تشکیل می‌داد. بنیان حکومت استبداد شرقی بر قدرت متمرکز دانسته شده که با سیطره بر امور عمومی به گونه بی‌میانه‌جی بر قلمرویی متشکل از چند شهر بزرگ و جوامع روستایی خودکفا و پراکنده حکومت می‌کند.<sup>۱۸۷، ۱۸۸</sup> هگل نیز در «بخش‌بندی تاریخ جهانی»، از دیدگاه فلسفی، استبداد شرقی را چنین ارزیابی می‌کند:

بنیاد جهان شرق بر... رابطه پدرشاهی است

و بزرگ خانواده، مظهر این آگاهی و خواست

کل است؛ او در راه مقصود مشترک می‌کوشد

و نگاهبان افراد است و کوشش آنان را در

جهت مقصود مشترک رهبری می‌کند و آنان

را آموزش می‌دهد و مراقب است تا همگی با

غایت کلی هماهنگ باشند. دانش و آرزوی

شرقیان از این فراتر نمی‌رود و در شخص

رئیس کشور تجسم می‌یابد و... آنچه کل

جامعه را بهم پیوسته می‌دارد (ترس از)

سرزنش و کیفر است.<sup>۱۸۹</sup>

اکنون می‌توان به برخی مقایسه‌ها و تطبیق‌ها

پرداخت. آیا در وضع نوپدید سرمایه‌داری جهانی،

برخی از کشورهای مرکزی، همانند «حکومت

مرکزی» برای عهده‌داری «امور عمومی»

سرمایه‌داری جهانی (برای نمونه جنگ خلیج

فارس، جنگ افغانستان و جنگ عراق) گرایش

نشان نمی‌دهند؟ و اگر برخی کشورهای جنوب،

«بسته، منزوی، جداگانه و پراکنده» باقی بمانند و

هر يك «دنیای کوچکی» را (همچون وضع

روستاهای شرقی در گذشته) تشکیل دهند، آیا

«صرف نظر از چند شهر بزرگ» (برخی جوامع

پیشرفته صنعتی و احیاناً شماری از کشورهای

پیرامونی)، سراسر قلمرو فرمانروایی به آن دسته از

کشورهای جنوب که «دارای سازمانهای یکسره

بسته، منزوی و جداگانه» هستند «دنیاهای

### ○ بسیاری از کشورهای

جنوب، کمابیش با وضع

آنتروپیک، بعنوان میراثی

تاریخی، روبه‌رو هستند و

چنانچه در کاهش یا تعدیل

آن نکوشند، بیم آن می‌رود

که با خطر حاشیه‌نشینی در

دهکده جهانی مواجه شوند

و همچنان که زاغه‌نشینان

حاشیه شهرها، در عمل،

شهروندان گفتگوگری را در

مجموعه بافت شهری

تشکیل نمی‌دهند، توفیقی

شایسته و بایسته برای ایفای

نقش در فرآیند آمیزش و

گفتگوی جهانی کسب

نکنند.

## ○ سرزنش و تنقید

سیستمهای بسته، همچون روستاهای خودکفا و پراکنده که هر روستا خود دنیای کوچکی را تشکیل دهد و سازمانی یکسره جداگانه، بسته و منزوی داشته باشد (که این نیز خود از ویژگیهای تاریخی استبداد شرقی است)، پدیده‌ای جدید یا متعلق به دوران کنونی نیست و برای مثال ربطی به نوگرایی ندارد.

کوچک»، تقسیم نمی‌شود؟ در آن صورت، آیا «بنیان استبداد» سرمایه‌داری جهانی بر «قدرت متمرکزی» دانسته نخواهد شد که با «سیطره بر امور عمومی» جهان، «به گونه‌ی میانجی بر قلمرویی متشکل از چند کشور بزرگ و جوامع حاشیه‌نشین خودکفا حکومت می‌کند»؟ و آیا، چنان که هگل استبداد شرقی را توصیف و تبیین می‌کند، «بنیان جهان» نوپدید بر گونه‌های تازه از «رابطه‌ی پدرشاهی» مبتنی نمی‌شود که معدودی کشور مرکزی در خانواده‌ی تازه یا دهکده جهانی، بعنوان «بزرگ خانواده»، مظهر این آگاهی و خواست کل (سرمایه‌داری) هستند و در راه مقصود مشترک (بویس سرمایه) می‌کوشند و نگاهبان افرادند و آنان را در جهت مقصود مشترک رهبری می‌کنند و آموزش می‌دهند و مراقبند که همگی با غایت کلی (توسعه و انباشت سرمایه) هماهنگ باشند؟ و آیا با توجه به مواضع لرزان کشورهای چون آلمان و ژاپن در برابر رویدادهایی چون جنگ خلیج فارس و جنگ افغانستان، و سرانجام کنار آمدن همه آنها در جنگ عراق (و حتی فرانسه پس از جنگ عراق) نمی‌توان نتیجه گرفت که «آنچه کل جامعه (جهانی) را به هم پیوسته می‌دارد (ترس از سرزنش و کیفر از دست دادن سهم در بازار سرمایه، تحریم‌ها، ...) است»؟ آیا به این ترتیب، دهکده جهانی به سوی نوعی استبداد دهکده‌ای و در عین حال جهانی (به گونه‌هایی همانند استبداد تاریخی شرقی و باز تولید مدرن آن در سطح دهکده جهانی) پیش نخواهد رفت؟

در بر تو مفاهیم دانش تازه فراکتال و به کارگیری آن در تبیین چگونگی وقوع رشد و توسعه در سیستمهای انسانی، بویژه مفاهیمی چون خود همانندی (Self - Similarity) و خود خویشاوندی (خودخویشی) (Self - Affinity)<sup>۱۱</sup>، شباهتهای یاد شده جلوه‌ای روشنتر می‌یابد. مفاهیم «خودهمانندی» و «خودخویشی» مصداق بارزتری می‌یابد؛ اگر به آنچه گفته شد، این واقعیت نیز افزوده و توجه شود که همانند دوران اولیه رشد سرمایه‌داری در دامان فئودالیسم غربی که بارشد سرمایه تجاری همراه بوده و در بستر مدرنیسم واقع گردیده، هم‌اکنون نیز، روند تازه جهانی شدن، به گونه غالب، با جهانی شدن سرمایه مالی (و نه

چندان جهانی شدن سرمایه تولیدی) مواجه است و به جای مدرنیسم در بستر پسامدرنیسم واقع می‌شود و به گونه‌های «رنسانس» در سطح سیاره زمین دست می‌یازد، آنهم قلندر مآبانه که خود از ویژگیهای جامعه استبداد شرقی است. افزون بر این، سرمایه در پویایی جهانی خود و در روبرویی با شیوه‌های سخت جان پیشا سرمایه‌داری در برخی از نقاط جهان، مانند شیوه‌های آسیایی (Asiatic Mode) و شبه آسیایی (Quasi Asiatic Mode)، سر از شیوه‌های شبه سرمایه‌داری (Quasi Capitalism) در آورده و از همه اهرمهای در اختیار برای فروشکنی بن‌بست‌ها و انسدادها در مجاری پویایی و توسعه جهانی خود بهره می‌گیرد.

بویژه در این اوضاع و احوال، نمی‌توان شرایط انسانی را نیز در کشورهای پیشرفته صنعتی (شمال) از نظر دور داشت. بعنوان مثالهایی به نسبت ساده، پژوهشها و بررسیها نشان می‌دهد که در برخی کشورهای صنعتی، سالانه یکصد هزار مورد بیماری در نتیجه تنشهای روانی، عارض می‌شود یا عود می‌کند و تشدید می‌شود. نیز به سبب عوارض مرتبط با تنش، روزانه نزدیک به دویست و هفتاد هزار تن ناگزیر از ترک محل کار خود می‌شوند. بر سرهم هفتاد میلیون «نفر-روز-کار» در هر سال تلف می‌شود و در نهایت این استرسها، نزدیک به پانزده میلیارد دلار هزینه سالانه در ابعاد گوناگون (بیمه، درمان، اوقات از دست رفته، خسارتهای اقتصادی، ...) به بار می‌آورد. حتی برای یک شرکت با حدود ده هزار نفر کارکن، تنها هزینه‌های مربوط به ناراحتی‌های قلبی، سالانه متجاوز از سه میلیون دلار تخمین زده می‌شود. شدت وحدت استرسهای موجود در کار و محیط کار تا اندازه‌ای است که موضوع مهار کردن و مدیریت تنشها، در رأس هدفها و برنامه‌های محیط کار در اتحادیه اروپا قرار گرفته و سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ میلادی بعنوان سالهای کنترل مؤثر استرس در محیط کار، به این اولویت مهم اختصاص یافته است. ۱۹۱-۱۹۱۰ به این ترتیب، فشارهای متقابل انسان و سرمایه (با ماهیت توسعه‌طلبی و انباشت‌خواهی سرمایه)، در کشورهای خاستگاه سرمایه، روز به روز مترامک‌تر و خلاء معنوی در میان این خفقان مادی، شدیدتر، جدی‌تر و محسوس‌تر می‌شود. بیهوده نیست که

این عطش معنوی در مواردی نیز اینگونه بروز می‌یابد که برای چندمین بار آثار جلال‌الدین محمد مولوی در آمریکا مقام نخست و عنوان پرفروش‌ترین کتاب را به خود اختصاص می‌دهد و هالیوود نیز به خلق آثار هنری بالهام از چنین آثار گرانمایی روی می‌آورد (البته جالب توجه است که برخی کشورهای جنوب همانگونه که در بسته‌بندی غالب محصولات کشاورزی بی‌مانند و منحصر به فرد خود و عرضه آن به جهان، با توفیق قرین نیستند، در بسته‌بندی و عرضه آثار معنوی و تمدنی خود نیز با مشکلات مشابه مواجه‌اند و این مسئله بسیار مهمی است که باید در مدیریت آمیزش و گفتگوی تمدن‌ها مورد توجه قرار گیرد؛ نکته‌ای که باز هم خواص خود همانندی و خودخویشی فراکتالی را تداعی می‌کند).

با توجه به آنچه گفته شد، کشورهای جنوب با رسالتی تاریخی در قبال خود و نیز جهان روبرویند که برای انجام دادن آن، نیاز به ایجاد تعادل پایدار درونی و در نتیجه رسیدن به تعادلی پایدار با جهان دارند تا نگذارند به حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی دهکده جهانی بدل شوند و به این منظور باید آنتروپی درونی خود را بعنوان یک پدیده تاریخی شناسایی کنند و کاهش دهند. در این زمینه هرگز نباید مفهوم «جامعه استبدادی» را نادیده گرفت؛ بلکه باید توجه داشت که مدیران، خود تبلور و معلول و نماینده ویژگی‌های جامعه‌اند (که این واقعیت نیز به نوبه خود از خواص خود همانندی و خودخویشی فراکتالی مایه می‌گیرد) و جابه‌جا شدن علت و معلول، خود از عارضه‌ها و ویژگی‌های تحلیل غالب در تحولات تاریخی و اجتماعی جوامع استبدادی (ناشی از مشکلات ادراکی و دریافتی مرتبط با استرس‌های استبداد و سیستم‌های بسته و منزوی) است. رابطه علت و معلول نیز از دیدگاه سیستم‌های پویا و درک مفهوم پویایی سیستم، رابطه‌ای پویا است که با انقطاع یا تغییر فیدبک‌های سیستم قابل تغییر است و ویژگی‌ها و تشخص یک سیستم را با تغییر و تبدیل یا کاهش و افزایش فیدبک‌ها، می‌توان تغییر داد و اصلاح کرد.<sup>۱۹۵</sup> علت ناکامی توسعه سیاسی در برخی انقلابها (مانند انقلاب مشروطیت در ایران) و در برنامه‌های متعدد اصلاحات، همچنین چرخه شوم

«استبداد-هرج و مرج-استبداد» در جامعه استبدادی، از دیدگاه سیستمی و مفهوم آنتروپی (بویژه انقطاع تاریخی فیدبک‌ها در این جوامع) نیز قابل درک و توضیح است که نه تنها مغایرت و منافاتی با دیگر نگرش‌های علمی و تحقیقی در این باره ندارد، بلکه می‌تواند در پرتو مفاهیم سیستم‌های آنتروپیک، به گونه مناسب درک و تبیین شود. می‌توان گفت که پذیرش واقعیت و شناخت پدیده «جامعه استبدادی» و آنتروپی آن، رمز اصلی را تشکیل می‌دهد؛ و گرنه به فرموده جلال‌الدین مولوی «خون به خون شستن محالست و محال». <sup>۱۹۶</sup> پارادایم یادگیری سازمانی و سازمان‌های یادگیرنده که پیشتر درباره آن بحث شد نیز در همین ارتباط قرار می‌گیرد و بدان لحاظ کاربرد می‌یابد که می‌تواند در تعبیر و اصلاح فیدبک‌ها و زدودن عوامل سیستمی مؤثر در ایجاد شرایط مورد بحث، بویژه با توجه به مفهوم «ریابنده‌های شکفت‌انگیز» در نظریه آشوب، (در تحلیل سیستمی <sup>۱۹۷</sup>)، اثر بخش واقع گردد.

در فرضیه آنتروپی اجتماعی، مشخصه‌هایی کلان، شش‌گانه و متمایز، بعنوان عواملی که نقش اطمینان‌بخش در کاهش سطوح آنتروپی از میزان حداکثر، بازی می‌کنند معرفی می‌شوند: جمعیت، اطلاعات، سطح زندگی، سازمان، تکنولوژی و فضا. \* این شش مشخصه نه تنها فی‌نفسه، بلکه به سبب ارتباطشان با یکدیگر حائز اهمیت هستند؛ یعنی در مواردی به صورت متغیر مستقل و گاه وابسته ظاهر می‌شوند. بحث چگونگی تنظیم و کنترل هر یک از این عوامل برای کاهش آنتروپی در کشورهای شمال، مفصل است و نحوه انطباق و کاربرد آن در کشورهای جنوب، خود مبحثی پیچیده‌تر را تشکیل می‌دهد؛ <sup>۱۹۸</sup> ولی آنچه بویژه در ارتباط با استبداد تاریخی شرق می‌توان گفت آن است که اطلاعات (بویژه در قالب پارادایم یادگیری سازمانی و سازمان‌های یادگیرنده، با تلقی این جوامع بعنوان سازمان مورد نظر) نه تنها در تنظیم دیگر عوامل مؤثر است، بلکه با باز شدن سیستم و بهره‌گیری از مفاهیم سیستم باز، اطلاعات به مفهوم آنتروپی منفی (نگاتروپی)، می‌تواند در کاهش آنتروپی کل سیستم نقش بنیادین بازی کند و نیز در زایش، رویش و بالندگی فیدبک‌هایی که در طول

### ○ همانند دوران اولیه

رشد سرمایه‌داری در دامان فتودالیسم غربی که با رشد سرمایه تجاری همراه بوده و در بستر مدرنیسم واقع گردیده، هم‌اکنون نیز، روند تازه جهانی شدن، به گونه غالب، با جهانی شدن سرمایه مالی (و نه چندان جهانی شدن سرمایه تولیدی) مواجه است و به جای مدرنیسم در بستر پسامدرنیسم واقع می‌شود و به گونه‌ای «رنسانس» در سطح سیاره زمین دست می‌یازد، آنهم قلدر مآبانه که خود از ویژگی‌های جامعه استبداد شرقی است.

تاریخ عقیم مانده‌اند، اثر گذار باشد.

در پدیده جهانی شدن که خواه ناخواه جهان امروز با آن روبه‌رو است، سه چیز مرزبردار نیست: نخست، با توجه به آنچه پیش از این درباره نقش سرمایه و اقتصاد در فرایند جهانی شدن گفته شد و بویژه در شاکله سازمان تجارت جهانی نیز مشهود است، اقتصاد مرزبردار و ملیت‌پذیر نیست؛ دوم، واقعیت‌های عصر انفورماتیک و تحولات ژرف و شگرف آن، یک پیام روشن و آشکار دارد و آن این است که اطلاعات مرزبردار و ملیت‌پذیر نیست و دولت‌ها نمی‌توانند به طبقه‌بندی و جداسازی اطلاعات یا مرزبندی آن بپردازند؛ سوم، ورود به دوران تلویزیون فراملی، ماهواره، اینترنت و رسانه‌هایی که مرزهای زمانی و فضایی را درهم شکسته، پرده‌ها را دریده و گسیخته و فرهنگ‌ها را درهم آمیخته‌اند، بی‌گمان، گواهِ بر آن است که فرهنگ‌ها هم مرزبردار نیستند. <sup>۲۰۲</sup> گذشته از آن، بر پایه مطالعاتی که در دانشگاه آکسفورد انجام گرفته است، در سال ۱۹۰۰ میلادی، هر یکصد سال حجم اطلاعات بشر دو برابر می‌شده؛ در سال ۱۹۵۰، هر پنجاه سال حجم اطلاعات دو برابر می‌شده، در سال ۱۹۷۰، هر بیست سال؛ در سال ۱۹۹۰ هر پنج سال؛ و در سال ۱۹۹۵، هر یک سال یک بار حجم اطلاعات بشر دو برابر شده است (پدیده رشد فراکتالی اطلاعات). به سخن دیگر، هنوز یک سال آموزشی به پایان نرسیده که پنجاه درصد مطالب درسی باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. در چنین جهانی، دیگر انسان‌ها نمی‌توانند «بحر العلوم» شوند. در جامعه صنعتی، هجده هزار تخصص دارای کد کامپیوتری است و کسب تسلط در حیطه هر تخصص، مستلزم سالها مطالعه، آموزش و تجربه عملی است و ناگفته پیداست که مدیریت چنین جوامعی بوسیله یک یا چند نفر، ناممکن است. مرجع تشخیص حرف درست در چنین مواردی کارشناسان هستند نه یک یا چند نفر در رأس هرم قدرت سیاسی. به این ترتیب، به سبب گسترش دامنه تخصص، ساختار تصمیم‌گیری دچار تحول و دگرگونی می‌شود و تصمیم‌گیری فردی در عمل ناممکن می‌گردد. در چنین جوامعی حتی اگر شهروندان هم بخواهند، یک یا چند نفر نمی‌توانند به جای جامعه و برای مردمان

تصمیم بگیرند. از این رو به نسبتی که جوامع به سوی تخصصی شدن پیش می‌روند، و به نسبتی که تخصصی شدن در یک جامعه نهادینه می‌شود، ساختار مدیریت کشور از ساختار غیردموکراتیک به سوی ساختار دموکراتیک تحول و تغییر می‌یابد و این فرایندی است گریزناپذیر. دموکراسی و مردم‌سالاری به معنی واقعی کلمه، دیگر انتخابی نتواند بود؛ شایسته‌سالاری نیز یک شعار انتخاباتی فراموش شونده نتواند بود؛ بلکه نتیجه طبیعی و پیامد گریزناپذیر تخصصی شدن شدید امور خواهد بود. <sup>۲۰۳</sup>

سیستم‌های انسانی، سیستم‌های تطبیق‌پذیرند و سیستم‌های تطبیق‌پذیر، تحت تأثیر اطلاعات و فیدبک‌های اطلاعاتی ساختارهای خود را دگرگون می‌سازند و مقاومت‌های ساختاری به هر اندازه شدید باشد، در برابر نفوذ اطلاعات تاب‌ایستایی و ایستادگی ندارد. این واقعیت انکارناپذیر می‌تواند، به نوبه خود، کلید اصلی آمیزش و گفتگوی تمدن‌ها را در دست داشته باشد در صورت بهره‌گیری مطلوب از ابزارها و تکنولوژی اطلاعاتی روز، همراه با خرد و درایت، کشورهای جنوب نیز می‌توانند آثار چشمگیر بر باشندگان در شمال بگذارند و در بسترسازی برای فرهنگ و تمدن نوپدید جهانی، سهمی شایسته اصالت‌های مورد نظر خود داشته باشند.

با توجه به آنچه پیشتر و از دیدگاه زیست‌شناسی درباره نیاز انسان به خوراک، هوا و اطلاعات، برای ادامه حیات مورد بحث قرار گرفت، باید در کنار مقوله‌هایی چون عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی، مقوله عدالت اطلاعاتی را نیز مطرح کرد و عدالت اطلاعاتی را هم برای شمال و هم برای جنوب خواستار شد. در اقتصاد پسا صنعتی، عدالت اطلاعاتی می‌تواند بخش مهمی از عدالت اقتصادی و اجتماعی را تشکیل دهد و ایجاد این حق برای شمال و جنوب، خود می‌تواند از محورهای مهم آمیزش و گفتگوی تمدن‌ها باشد.

همچنین، از آنجا که تکنولوژی اطلاعات نقش ویژه‌ای در سده بیست و یکم بازی خواهد کرد، رابطه فرهنگ و تمدن با این تکنولوژی، برای بهره‌گیری از آن در زمینه آمیزش و گفتگوی

○ سرمایه در پویایی جهانی خود و در رویارویی با شیوه‌های سخت جان پیشا سرمایه‌داری در برخی از نقاط جهان، مانند شیوه‌های آسیایی (Asiatic Mode) و شبه آسیایی (Quasi Asiatic Mode)، سر از شیوه‌های شبه سرمایه‌داری (Quasi Cap-italism) در آورده و از همه اهرم‌های در اختیار برای فروشکنی بن‌بست‌ها و انسدادها در مجاری پویایی و توسعه جهانی خود بهره می‌گیرد.

تمدن‌ها، توجه به نقش تکنولوژی اطلاعات در مفاهیم فرهنگ و تمدن، بویژه قدرت انتقال و ارتباط، و اثر قدرت انتقال و ارتباط فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در تحولات و جهت‌گیری آنها،<sup>۲۰۴</sup> موضوعات مهم و محوری را تشکیل می‌دهند.

### مدیریت استراتژیک

#### در گفتگو و آمیزش تمدنها

استراتژی، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، در سازمانی با محیط و در هر گفتگو، بویژه يك فرآیند آمیزش و گفتگوی فراگیر، مانند آمیزش و گفتگوی تمدنها، که می‌تواند يك رقابت گسترده جهانی تلقی شود، مفاهیم کلیدی را تشکیل می‌دهند.

استراتژی، اصطلاحی است که گرچه بیشتر (متمايز از تاکتیک) برای اشاره به هدف‌ها و برنامه‌های درازمدت احزاب در کشمکش‌های نظامی، سیاسی و مانند اینها به کار برده شده است، اما در نظریه تصمیم و نظریه بازیها، معنای دقیق و مشخصی پیدا کرده است و مجموعه کاملی از نقشه‌هایی را توصیف می‌کند که همه امکانات را دربرمی‌گیرند؛ مانند برنامه‌هایی کامل برای آموختن این یا آن بازی یا قواعد تصمیم‌گیری یا زمان پایان دادن به يك فعالیت معین. استراتژی را می‌توان توصیف دقیق و مشروح يك روش برای پیشبرد اهداف نیز دانست.<sup>۲۰۵</sup>

همچنین، به تعبیری، استراتژی دانش و فن برنامه‌ریزی و به کارگیری تواناییهای سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی يك ملت است در دوران جنگ یا صلح، تا بهترین شرایط برای رسیدن به هدفهای مورد نظر فراهم آید.<sup>۲۰۶</sup> به این ترتیب، از آنجا که استراتژی يك ملت، یا يك تمدن، به سطح تواناییهای سیاسی و روانی آن ملت یا آن تمدن مربوط می‌شود، مفهوم استراتژی در پارادایم آمیزش و گفتگوی تمدنها، اهمیتی ویژه می‌یابد، نه تنها از آن رو که در گفتگو باید بر پایه نقشه و طرح تصمیم‌گیری و در چارچوب قواعد بازی عمل کرد تا نتیجه مطلوب به دست آید، بلکه بدان سبب که استراتژی فی‌نفسه بازگوکننده قدرت و توان ذاتی يك تمدن است؛ و اینکه يك تمدن گفتگوگر تا چه اندازه برتر است را باید بتوان از نوع استراتژیهای

اتخاذ شده از سوی آن تمدن دریافت. در همین جا به این نکته نیز توجه داشت که حتی طرح پارادایم گفتگو در قبال دعوی جنگ یا برخورد تمدنها، خود می‌تواند فی حد ذات دلیل بر والایی و برتری تمدن گفتگوگر و گفتگو پسند تلقی گردد؛ بویژه چنانچه آن تمدن در درون خود نیز، به‌واقع، گفتگوگر و گفتگو پسند باشد.

جالب توجه است که گرچه واژه استراتژی به لحاظ معنایی و تاریخی لغوی به مفهوم دانش و هنر فرماندهی جنگی و راهبری نظامی به کار رفته است، ولی در حدود چهارصد و پنجاه سال پیش از میلاد مسیح، برای بیان مهارت در مدیریت، مشتمل بر قدرت در اداره و توانایی در رهبری مورد استفاده قرار گرفته و نیز در زمان اسکندر - حدود سیصدوسی سال پیش از میلاد - از ریشه یونانی آن (استراتگوس)، مهارت در بهره‌گیری از نیروها برای چیره شدن بر مقاومت و مخالفت و در جهت ایجاد يك نظام یکپارچه جهانی برداشت می‌شده است.<sup>۲۰۷، ۲۱۰</sup> این پدیده مقارن با زمانی بوده است که اسکندر در دوران کوتاه فرمانروایی خود، بر ایران، مصر و بخشی از شمال هند دست یافت و با برانداختن سلسله هخامنشی، امپراتوری عظیمی برپا کرد که بخش بزرگی از تمدن آن روزگار را دربرمی‌گرفت. بسیاری از مورخان و پژوهشگران، اسکندر را سرداری آگاه، باهوش و مطلع از آداب و علوم عصر خود، با عزمی نیرومند و هم‌متی بلند دانسته‌اند که می‌خواستند است ملتی بزرگ از اقوام گوناگون را با فرهنگی یونانی - پارسی گرد آورد و بویژه او را شیفته تمدن و اخلاق ایرانیان دانسته‌اند. گرچه مرگ اسکندر در سی و سه سالگی، او را از پیگیری نقشه‌هایش باز داشت، جهانگشایی او، در همان مدت کوتاه نیز در پیشرفت دنیای آن روزگار بسیار مؤثر بود و آمدن یونانیان به ایران، سبب آشنایی ایرانیان با دانش و فلسفه یونان، و از سوی دیگر انتقال اندیشه‌های دینی و فلسفی ایران و هند به اروپا شد. در روزگار اسکندر، بازرگانی گسترش یافت و یکی از دلایل آن، این بود که به دستور او پول رایج کشورهای گوناگون در چارچوب امپراتوری یکسان شد و به صورت سکه‌های نقره درآمد.<sup>۲۱۱</sup> باز هم در این مورد، خود همانندی و خودخویشی فراکتالی در پدیده جهانی شدن، دستکم به لحاظ

#### ○ فشارهای متقابل

انسان و سرمایه (با ماهیت توسعه طلبی و انباشت خواهی سرمایه)، در کشورهای خاستگاه سرمایه، روز به روز متراکم تر و خلاء معنوی در میان این خفقان مادی، شدیدتر، جدی تر و محسوس تر می‌شود.

تاریخی، در خور توجه و تحلیل عمیق علمی از دیدگاه سیستمی است.

بنابراین، استراتژی و تفکر استراتژیک، به همان گونه که در دوران جهانگشایی اسکندری و چیرگی بر مقاومتها و مخالفتها برای ایجاد یک نظم یکپارچه جهانی مطرح بوده و بر خورد و سپس گفتگوی تمدنهای آن روزگار راقم می‌زده، امروز نیز در دوران جهانگیری سرمایه و در روند تازه پدیده جهانی شدن، به قوت خود باقی است و سرنوشته گفتگو یا برخورد تمدنها راقم می‌زند.

امروز، در دوران رقابت فشرده و فزاینده‌ای که سرمایه برای توسعه و انباشت جنون آمیز خود پدید آورده است، مفهوم استراتژی و تفکر استراتژیک، سراسر زندگی اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی شمال را دربر گرفته و بویژه در سده اخیر، آثار شگرفی بر حوزه‌های مدیریتی و بازرگانی در عرصه رقابتهای داخلی و بین‌المللی کشورها داشته است، تا بدانجا که امر توسعه در ژاپن، کره و حتی چین مرهون پیروی و بهره‌گیری از آن شمرده می‌شود.<sup>۲۱۲</sup>

در این روزگار، استراتژی به معنای تعیین چگونگی و سمت و سوی فعالیتها در چارچوب شرایط و عوامل محیطی، قابلیت ممتاز کنندگی و ایجاد هماهنگی بین اوضاع درونی و انتظارات بیرونی مطرح است و ضمن مرتبط بودن با ساختار یک سازمان، به معنای اهداف بلندمدت آن سازمان و گزینش مجموعه فعالیتها و تخصیص منابع لازم برای رسیدن به هدفها مد نظر قرار می‌گیرد. مفهوم استراتژی، خواه ناخواه، هم در برگیرنده هدفها است و هم ابزارها و چگونگی دستیابی به هدفها؛ استراتژی هم به معنای طرح و نقشه است که راهبر فعالیتهای آگاهانه برای رویارویی با یک وضع معین است و آگاهانه و هدفدار ایجاد و به کار گرفته می‌شود، و هم به مثابه صحنه آرایی و اجرای عملیات ویژه برای چیرگی بر حریف و رقیب؛ استراتژی هم الگوی رفتار یا تداوم رفتار است و هم تعیین موضوع و جایگاه استقرار در محیط و همچون نیروی حایل میان سازمان و محیط، با یافت داخلی و خارجی، و سرانجام اینکه استراتژی به مثابه دیدگاه و جهان بینی پدید می‌آید و گونه‌ای تصور ذهنی پایدار نسبت به جهان را در بر می‌گیرد و

از این رو یک امر مشترك به شمار می‌آید زیرا نگرش و بینشی است مشترك بین اعضاء و عناصر تشکیل دهنده سازمان و گروه که بر مقاصد و اقدامات آنها مبتنی است و در قلمرو اندیشه جمعی می‌گنجد. افزون بر آن استراتژی هم برنامه‌ای جامع برای تعریف و دستیابی به اهداف و اجرای مأموریت است و هم الگوی پاسخ و واکنش به شرایط محیطی را در گذر زمان در بر می‌گیرد. به این ترتیب، استراتژی، الگوی اهداف، مقاصد، خط مشی‌ها و طرحهای عمده برای دستیابی به اهداف و مقاصد است و چنان بیان می‌شود که بتواند توضیح دهد که یک سازمان سرگرم چه کارهایی یا در پی چه کارهایی است و چگونه است و چگونه خواهد شد. به سخن دیگر، استراتژی الگویی است از تصمیمات و فعالیتها که اهداف و مقاصد را مشخص و روشن می‌نماید؛ سیاستها و طرحهای عمده برای تحقق آن اهداف را تعیین و محدوده فعالیتها و اقدامات را تعریف و تحدید و گزینه‌های گوناگون در مورد مسیرها را برای رسیدن به اهداف و مقاصد تبیین و توصیف می‌کند و نیز مشخص می‌سازد که چگونه منابع برای کسب مزیت در محیط بزرگتر و فراتر صرف شود. سرانجام، استراتژی، الگو یا برنامه‌ای را تشکیل می‌دهد که هدفهای بنیادی، سیاستها و زنجیره اقدامات و فعالیتها را در قالب یک مجموعه منسجم سامان می‌بخشد.<sup>۲۱۳، ۲۱۴</sup>

می‌توان گفت که هر چه حوزه عمل یک استراتژی گسترده‌تر و نتایج آن برای حیات یک ملت یا یک تمدن کارسازتر باشد، توجه به مقدمات و مؤلفه‌های آن واجد اهمیت بیشتری خواهد بود. عناصر و مؤلفه‌های یک استراتژی کلان عبارت است از: نخست، نیات و مقاصد درازمدت، یعنی آنچه استراتژی در پی آن است؛ دوم، سیاستها، به مفهوم قواعد و شیوه‌های تحقق بخشیدن به هدفها؛ سوم، منابع و امکانات، اعم از آنچه موجود است و آنچه باید به هنگام اجرای استراتژی تأمین شود و فراهم آید. گذشته از آن، باید در نظر داشت که پیش از تلویح هر گونه استراتژی، تمهید مقدماتی لازم است: نخست، وجود تفکر استراتژیک. ذهنیت یا نگرش استراتژیک، در اصل به طرز تفکر ویژه‌ای اشاره دارد که به طراحی آینده

○ کشورهای جنوب با  
رسالتی تاریخی در قبال  
خود و نیز جهان روبرویند  
که برای انجام دادن آن، نیاز  
به ایجاد تعادل پایدار درونی  
و در نتیجه رسیدن به تعادلی  
پایدار با جهان دارند تا  
نگذارند به حاشیه نشینان و  
زاغه نشینان دهکده جهانی  
بدل شوند و به این منظور  
باید آنتروپی درونی خود را  
بعنوان یک پدیده تاریخی  
شناسایی کنند و کاهش  
دهند.

رسیدن به این شناخت که مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک خود به خود تحقق نمی‌یابد؛ چهارم، اینکه پیش‌بینی و شکل دادن به دگرگونی محیطی مورد تأکید آن است؛ و این واقعیت را که تفکر استراتژیک باید از روند به کارگیری اختیار سیاسی آگاه باشد نیز باید به این جنبه افزود.<sup>۲۲۲</sup>

مدیریت استراتژیک شامل: یک گرایش عملی، شناخت اهمیت طراحی و شناخت اهمیت عامل انسانی است. گرایش عملی یعنی اطمینان یافتن از اینکه هر سندی که در فرآیندهای اجرایی منظور شده، شامل طرح‌های اجرایی تفصیلی، جدول‌های زمانی، پاسخگویی‌ها و هزینه‌های معین است. طراحی شامل تطبیق نتایج مطلوب با فرایندهای تحقق آن نتایج است؛ زیرا آنچه از راه فرایند مدیریت استراتژیک به دست می‌آید و همچنین سرعت تحقق آنها، آشکارا به ظرفیت، مشتمل بر منابع مربوط، گره خورده است. گذشته از آن، در یک الگوی سودمند مدیریت استراتژیک، نکات زیر حائز اهمیت است: توصیف و ترسیم زمینه تاریخی برحسب روندهای محیطی، جهت‌گیری کلی و آرمان‌های هنجاری؛ ارزیابی موقعیت و شرایط برحسب نقاط قوت و ضعف کنونی و فرصت‌ها و تهدیدهای آینده؛ فراهم ساختن فهرستی از موضوعات استراتژیک که باید مدیریت شوند؛ طراحی راهکارهای استراتژیک برای مدیریت مسایل دارای اولویت؛ ارزیابی راهکارهای استراتژیک برحسب تأثیر آنها؛ اجرای استراتژی‌های دارای اولویت.<sup>۲۲۳</sup>

به هر روی، در مورد نسبت پارادایم گفتگو و آمیزش تمدن‌ها با استراتژی‌های معاصر باید این نکته را در نظر داشت که هدف استراتژی‌های معاصر، پیشگیری از مصیبت‌های بزرگ و تقویت بازدارندگی از جنگ‌ها در قالب یک استراتژی بزرگ و فراگیر است که نیاز به بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و خردورزی و تفکر استراتژیک در یک جامعه دارد.<sup>۲۲۴</sup> نیز باید افزود که رویدادهای اسف‌انگیز یازدهم سپتامبر و در پی آن حمله نظامی به افغانستان و عراق، به موازات برگزاری اجلاس ویژه گفتگوی تمدن‌ها، هم‌زمان با آغاز کار پنجاه و ششمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد از یک سو و تشدید درگیری‌های خیابانی در مناطق

باور دارد و برخوردار از دیدگاه بلندمدت‌راحتی در شرایطی که قطعیت آنچنانی بر آینده حاکم نیست، ضرور، مفید و معنادار می‌داند؛ بینش جامع و درک روابط تعاملی متغیرهای گوناگون را شرط لازم برای برنامه‌ریزی‌های جامع تلقی می‌کند و اثربخشی را بر کارایی ترجیح می‌دهد و آنرا کلیدی می‌داند. دوم، پرورش یک بینش و دیدگاه استراتژیک در چارچوب عمل استراتژی. بینش استراتژیک یعنی شناخت ذهنی موقعیت مطلوب و داشتن تصویری از فردای دلخواه؛ چنین بینشی باید راهبر مجربان استراتژی در اقدامات و فعالیت‌هایشان باشد. شاید به جرأت بتوان گفت که پرورش این بینش در بر تو تفکر استراتژیک، یکی از معنادارترین کارهایی است که در راستای طراحی هر استراتژی، بویژه استراتژی‌های ملی و آنها برای گفتگو و آمیزش تمدن‌ها در عرصه بین‌المللی، ضرورت مبرم دارد. حتی لازم است استراتژی ملی و استراتژی علم و تکنولوژی هر کشور از پیوند و تعامل بسیار بویا و استوار برخوردار باشد<sup>۲۲۵</sup> و این تعامل بویا و استوار به استراتژی گفتگو و آمیزش تمدن‌ها بپیوندد و نتیجه‌ای نیرومند پدید آورد و تعاملات بازخوردی در گفتگو و آمیزش تمدن‌ها به بار آورد.

بهره‌گیری از مدیریت استراتژیک در پارادایم گفتگو و آمیزش تمدن‌ها، بویژه به لحاظ ارتباط موضوع تمدن یا فرهنگ، حائز اهمیت تعیین‌کننده و کارساز است. مدیریت استراتژیک خواستار گسترش بینش استراتژیک در سراسر قلمرو خود است و به جای آنکه عملی مکانیکی باشد، نقش محوری افراد و گروه‌ها و نفوذ فرهنگ را مورد توجه قرار می‌دهد. از این رو، هم یکپارچگی و همخوانی بیشتر طرح‌ریزی، کنترل و ساختار و همچنین ارتباطات و سیستم اطلاعاتی را می‌طلبد و هم توجه لازم را به فرهنگ معطوب می‌دارد و با عنایت به حضور عامل انسانی در فرهنگ و آثار آن، این مهم را در مرحله اجرا بیشتر در نظر می‌گیرد. در واقع می‌توان برای مدیریت استراتژیک چهار جنبه قابل‌شد. به بیان دیگر، مدیریت استراتژیک بر چهار اصل استوار است: نخست، نگرش بلندمدت؛ دوم، یکپارچگی هدف‌های بلندمدت و کوتاه مدت در قالب سلسله‌مراتبی منسجم؛ سوم،

○ علت ناکامی توسعه سیاسی در برخی انقلابها (مانند انقلاب مشروطیت در ایران) و در برنامه‌های متعدد اصلاحات، همچنین چرخه شوم «استبداد - هرج و مرج - استبداد» در جامعه استبدادی، از دیدگاه سیستمی و مفهوم آنتروپی (بویژه انقطاع تاریخی فیدبک‌ها در این جوامع) نیز قابل درک و توضیح است که نه تنها مغایرت و منافاتی با دیگر نگرش‌های علمی و تحقیقی در این باره ندارد، بلکه می‌تواند در پرتو مفاهیم سیستم‌های آنتروپیک، به گونه مناسب درک و تبیین شود.



○ به نسبتی که جوامع به سوی تخصصی شدن پیش می‌روند، و به نسبتی که تخصصی شدن در یک جامعه نهادینه می‌شود، ساختار مدیریت کشور از ساختار غیردموکراتیک به سوی ساختار دموکراتیک تحول و تغییر می‌یابد و این فرایندی است گریزناپذیر. دموکراسی و مردم‌سالاری به معنی واقعی کلمه، دیگر انتخاب نتواند بود؛ شایسته‌سالاری نیز یک شعار انتخاباتی فراموش شونده نتواند بود؛ بلکه نتیجه طبیعی و پیامد گریزناپذیر تخصصی شدن شدید امور خواهد بود.

گوناگون فلسطین اشغالی و به بن‌بست رسیدن گفتگوهای صلح از دیگر سو، همچنان خاورمیانه را در رأس خبرسازترین بخشهای جهان قرار داده و ثابت کرده است که نه فقط بسیاری از سرخ‌های گمشده کلاف کور صلح و ثبات جهانی در این گوشه از جهان پر ماجرا و ناآرام نهفته است، بلکه سرزمین‌های اصلی خاستگاه تمدن بشری، به سبب ویژگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، قابلیت آن را دارد که از نقطه جوش بحران بگذرد و جهان را به گردابی هولناک از خون و جنون فروکشد. عوامل بسیار و گوناگون و مسایل و رویدادهای ریز و درشت، بر سر هم این منطقه از جهان را تبدیل به یک معمای بزرگ کرده است، تا آنجا که می‌توان گفت همه بحرانها و درگیریهای جهانی، حتی به اندازه بخشی ناچیز از این سرزمین پهناور (با حدود سی کشور و متجاوز از چهار صد میلیون نفر جمعیت)، قابلیت به آتش کشیدن همه هستی انسان معاصر را ندارد. در واقع، شاید همین گرداب بحران بی‌پایان خاورمیانه است که بر زینسکی را به ارائه این نظریه واداشته که پس از ناکزاکاکی و هیرووشیما، این منطقه از جهان (خاورمیانه) نخستین محلی خواهد بود که برای خاموش کردن جنگ‌ها در آن از بمب اتمی استفاده خواهد شد؛ زیرا به ادعای او، این منطقه به گرداب جغرافیایی برخورد تمدن‌ها تبدیل شده است. اکنون نیز، پس از رویدادهای یازدهم سپتامبر و حمله به افغانستان و عراق، بازار نظریه‌پردازیهایی صلیبی ساموئل هانتینگتون دوباره رونق گرفته و او با حضوری جدی‌تر، از دانشگاه هاروارد و مرکز مطالعات استراتژیک الین (در آمریکا) به سطح مطبوعات و رسانه‌ها خزیده و نظریات خود را پیرامون برخورد تمدن‌ها، با پردازشهای جدید عرضه و القامی کند. <sup>۲۲۵۲۲۷</sup> در چنین اوضاع و احوالی، دیدگاه، بینش و تفکر استراتژیک در گفتگو و آمیزش تمدن‌ها، و به کارگیری اصول برنامه‌ریزی استراتژیک در پیشبرد آن، اهمیتی بیش از پیش تعیین کننده خواهد یافت.

### پایان سخن

در این نوشتار، پارادایم گفتگو و آمیزش تمدن‌ها در فرآیند جهانی شدن، از منظری سیستمی، به

تفصیل مورد بحث و بررسی همه‌جانبه قرار گرفت. در آغاز، پدیده جهانی شدن و نسبت گفتگو و آمیزش تمدن‌ها با این پدیده، بویژه در بستر پسامدرنیسم و در عرصه مدیریت پسا صنعتی، بررسی و تبیین شد و در این راستا پارادایم یادگیری سازمانی و سازمانهای یادگیرنده با پارادایم گفتگو و آمیزش تمدن‌ها ترکیب شد و بهره‌گیری از این مفاهیم در مدیریت گفتگو و آمیزش تمدن‌ها مطرح نظر قرار گرفت. سپس نظریه‌های آشوب و فراکتال و بازتاب آن در سیستم‌های انسانی، با توجه به اهمیت این موضوع در پارادایم گفتگو و آمیزش تمدن‌ها، تجزیه و تحلیل شد و جنبه‌های گوناگون آن، بویژه به لحاظ تأثیر در سیستمهای تمدنی، از نظر گذشت. آنگاه، اهمیت مدیریت اطلاعات در فرآیند گفتگو و آمیزش تمدن‌ها و نقش آفرینی آن در تغییرات و تحولات تمدنی، بویژه در پرتو نظریه آنتروپی و بهره‌گیری از آن در کاهش آنتروپی اجتماعی، بررسی شد. سرانجام اهمیت و جایگاه بینش و تفکر استراتژیک، و به کارگیری اصول مدیریت استراتژیک در فرآیند گفتگو و آمیزش تمدن‌ها، تشریح گردید و به منظور پیشبرد اهداف گفتگو و آمیزش در شرایط متلاطم و پرتحول جهان کنونی، مورد تأکید قرار گرفت.

با برداشت درست از فرآیند تازه جهانی شدن، بعنوان جهانی شدن سرمایه و حرکت و پویایی آن <sup>۲۲۸۲۲۹</sup> که در بستر شرایط تاریخی غرب، برخاسته از ویژگی‌های اقلیمی آن مناطق، حادث شده و امکان رشد، توسعه و پویا داشته است؛ با درک این نکته که تمدن غرب، برخلاف پندارها و نظریه‌پردازی‌های صلیبی متعصبان تنگ‌نظر و نومحافظه‌کاران مانند پروفیسور ساموئل هانتینگتون <sup>۲۳۰</sup> یا همتای فکری او، پروفیسور برنارد لوئیس <sup>۲۳۱</sup> بعنوان یک تمدن مسیحی قابل تلقی نیست که بخواهد لزوماً با دیگر ادیان تقابل داشته و جنگ و خشونت را در جهان چاره‌ناپذیر نماید؛ اینکه شرایط ماهوی و درونی هر سیستم (بویژه فیدبک‌های داخلی آن) تعیین کننده اصل مقدرات و سر نوشت آن سیستم است و سیستم‌های تمدنی و دیگر سیستم‌های انسانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و به گفته ویل دورانت «یک تمدن بزرگ تا از درون منهدم نشده، از بیرون مغلوب

مدارا خرد را برابر بود

خرد بر سر دانش افسر بود

مدار او تحمل یکدیگر، ظرفیت خردگرایی را می‌گشاید و رموز گنجایش‌های جهانی را برای تمدن مدارا مدارا در خود نهفته دارد؛ و این نیز حکم هندسه فراکتالی را در رمز و رازهای توسعه و تحول در سیستم‌های انسانی<sup>۲۳۵</sup> بازگو می‌کند؛ دیگر اینکه در گذر تاریخ، رفتار و روابط انسانها با یکدیگر، از رفتار و روابط اقلیم با آنها، الگو پذیرفته و در برخی مناطق جهان، اندک بودن بارندگی و خشونت اقلیم، موجب خشونت‌های تاریخی، پدیداری جوامع استبدادی، ناپایداری، نابرداری، ریاکاری و دیگر عوارض استرس‌های جغرافیایی و تاریخی (بعنوان سیستمی پویا) بوده است؛ به سخن مولوی:<sup>۲۳۶</sup>

آسمان مرد و زمین زن در خرد

هر چه آن انداخت این می‌پرورد

وین زمین کدبانوئی‌ها می‌کند

بر ولادات و رضاعش می‌تند

که باز به گفته مولوی<sup>۲۳۷</sup>، این سخن ناقص بماند

و بی‌قرار.

### زیر نویس‌ها

171. Bailey, K.D. (1984), "Beyond Functionalism: Toward a Non-Equilibrium Analysis of Complex Social Systems", *British Journal of Sociology*, 35, pp. 1-18.
172. Bailey, K.D. (1990), *Social Entropy Theory*, New York, State University of New York Press.
173. Bailey, K.D. (1994), *Sociology and the New System Theory: Toward a Theoretical Synthesis*, New York, State University of New York Press.
174. Bailey, K.D. and Miller, J. G. (1997), "Entropy, Social Entropy and Money", *Systems Research and Behavioral Sciences*, 4, 1.
۱۷۵. ریتزر، جرج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۱۷۶. ابوالمعالی، نصر... منشی [۱۳۶۲]، کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷۷. انزایی نژاد، رضا (۱۳۷۴)، کلیله و دمنه ابوالمعالی نصر... منشی، انتخاب و توضیح گزارش، چاپ دوم،

نمی‌شود؛ اینکه سلامت و تداوم حیات هر سیستم به میزان باز بودن آن سیستم، پرهیز از انزوا و بلکه، کوشش برای ایجاد ارتباط و تعامل منطقی با جهان، بستگی دارد؛ نیز با عنایت به دیگر مواردی که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفت، می‌توان با بهره‌گیری از مدیریت علمی و خردمندانه و بهره‌برداری بهین از واقعیت‌های نهفته در فرآیند جهانی شدن، در تمدن جدیدی که در این روند، بعنوان تمدن جهانی بر خواهد آمد، سهم خویش را محفوظ داشت و از جنگ و هراس و خشونت پیشگیری کرد.

در دوران عصیّت و سبّیت جنگ‌های صلیبی (۱۳۰۰-۱۱۰۰ میلادی)، عارفان بزرگی در جهان سر بر آوردند که سرآمد آنان، ابن عربی در شرق و مایستر اکهارت در غرب، با همدلی و همزبانی شگفت‌انگیز، نظریه وحدت وجود را مطرح کردند، چنان که گویی هر یک از زبان دیگری سخن گوید.<sup>۲۳۲</sup> در این روزگار که عصر ارتباطات بی‌ظنیر جهانی است، با خردپیشگی (و فقط به این شرط)، وحدت، همزبانی و همدلی بی‌مانند جهانیان در برابر نظریه پردازیهای صلیبی و خونریزی و شرارت، به خوبی امکان‌پذیر تواند بود. نباید از نظر دور داشت که همدلی جهانیان، بارها و بارها، در حوادث گوناگون، بویژه پیشامدهای طبیعی مانند سیل و زلزله و آتشفشان، به منصفه ظهور رسیده و آزموده و آماده شده است. به فرموده جلال‌الدین محمد مولوی:<sup>۲۳۳</sup>

همزبانی خویشی و پیوندیست

مرد با نامحرمان چون بندیست

ای بسا هندو و ترک همزبان

ای بسا دو ترک چون بیگانگان

پس زبان محرمی خود دیگرست

همدلی از همزبانی بهتر است

غیر نطق و غیر ایما و سبج

صد هزاران ترجمان خیزد ز دل

در شرط خردورزی هم، سخن جاوید حکیم

ابوالقاسم فردوسی - فردوسی پاک‌زاد که رحمت بر

آن تربیت پاک‌باد را باید آویزه گوش داشت که

می‌فرماید:<sup>۲۳۴</sup>

سرمایه‌تو ست روشن خرد

روانت همی از خرد بر خورد

○ باید در کنار  
مقوله‌هایی چون عدالت  
اقتصادی و عدالت  
اجتماعی، مقوله عدالت  
اطلاعاتی را نیز مطرح کرد  
و عدالت اطلاعاتی را هم  
برای شمال و هم برای  
جنوب خواستار شد. در  
اقتصاد پسا صنعتی، عدالت  
اطلاعاتی می‌تواند بخش  
مهمی از عدالت اقتصادی و  
اجتماعی را تشکیل دهد و  
ایجاد این حق برای شمال و  
جنوب، خود می‌تواند از  
محورهای مهم آمیزش و  
گفتگوی تمدن‌ها باشد.

- تهران، انتشارات جامی.
۱۷۸. علمداری، کاظم (۱۳۸۰)، پیشین.
۱۷۹. صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲)، جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری، تهران، نشر پازنگ.
۱۸۰. اقبال، عباس، «سخنی چند در باب عبداللّه بن‌المفقع»، به نقل از صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲)، پیشین.
۱۸۱. آذرنوش، آذرتاش وزریاب، عباس (۱۳۷۰)، «ابن مقفع»، در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر موسوی بجنوردی، کاظم، جلد چهارم، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
۱۸۲. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، جلد پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۸۳. میرهادی (خمارلو)، توران و جهان‌شاهی، ایرج (۱۳۷۳)، فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، جلد دوم، تهران، نشر فرهنگ‌نامه.
۱۸۴. اشمولرن، برتولد (۱۳۷۳)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، جلد اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸۵. قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۸)، پیشین.
۱۸۶. مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸)، پیشین، جلد دوم.
۱۸۷. قاضی مرادی، حسن (۱۳۷۸)، پیشین.
۱۸۸. آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۶)، مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر شیرازه.
۱۸۹. هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش (۱۳۵۶)، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی.
۱۹۰. فقیه، نظام‌الدین (۱۳۸۰)، «نظریه فرائد در گنابیش رموز رشد، توسعه و تحول در سیستم‌های سازمان‌مند و بفرنج»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۷۲-۱۷۱، آذر و دی.
۱۹۱. فقیه، نظام‌الدین (۱۳۷۶)، «تنش‌های شغلی...»، پیشین.
192. Jee, M and Reason, E. (1988), **Action on Stress at Work**, Health Education Authority, London.
193. Thompson, R. (1992), **Mental Illness: the Fundamental Facts**, Mental Health Foundation, London.
194. Health and Safety Commission (1992), "Management of Health and Safety at Work: Approved Code of Practice", HMSO, London.
۱۹۵. فقیه، نظام‌الدین (۱۳۸۲)، «سیستم‌های پویا...»، پیشین.
۱۹۶. مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸)، پیشین، جلد دوم.
۱۹۷. فقیه، نظام‌الدین (۱۳۸۲)، «سیستم‌های پویا...»، پیشین.
198. Bailey, K.D. (1984), op.cit.
199. Bailey, K.D. (1990), op.cit.
200. Bailey, K.D. (1994), op.cit.
201. Bailey, K.D. and Miller, J. G. (1997), op.cit.
۲۰۲. ادیب، محمد حسین (۱۳۷۹)، ایران و سازمان تجارت جهانی، بحران اقتصاد بازار و دموکراسی در ایران، اصفهان، نشر آموزه.
۲۰۳. همان.
۲۰۴. بیگ‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۷)، «گفتگوی تمدن‌ها و فن‌آوری اطلاعات»، فصلنامه گفتمان، ۳، صص ۲۳-۳۳.
۲۰۵. پاشائی، ع. (۱۳۶۹)، فرهنگ‌اندیشه نو، تهران، انتشارات مازیار.
۲۰۶. میرهادی (خمارلو)، توران و جهان‌شاهی، ایرج (۱۳۷۳)، پیشین.
۲۰۷. همان.
۲۰۸. پاشائی، ع. (۱۳۶۹)، پیشین.
209. Mintzberg, H., Quinn, J. B. and Goshal, S. (1999), **The Strategy Process: Revised European Edition**, London, Prentice-Hall.
210. Fowler, W. (1996), "Military Management", In **International Encyclopedia of Business & Management**, Vol. 4, Edited by Warner, M., London, Routledge.
۲۱۱. میرهادی (خمارلو)، توران و جهان‌شاهی، ایرج (۱۳۷۳)، پیشین.
212. Wee, C.H. Sheang, L.K. and Hidajat, B.W. (1991), **Sun Tzu: War and Management**, New York, Addison - Wesley.
۲۱۳. اسکات، ریچارد (۱۳۷۴)، سازمان‌ها: سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز، ترجمه حسن میرزائی اهرنجانی و فلورا سلطانی تیرانی، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۲۱۴. مینتزبرگ، هنری (۱۳۷۶)، تعریف استراتژی، در مدیریت استراتژیک، ترجمه محمد صائبی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۱۵. عباس‌زاده، ناصر (۱۳۷۸)، «استراتژی مبتنی بر ارزش‌ها در نظام آموزشی»، دانش مدیریت، ۴۸، ۱۲، صص ۱۰۲.
216. Mintzberg, H., et al (1999), op.cit.
217. Chandler, A.D. (1962), **Strategy and Structure**, MIT Press.
218. Daft, R. L. (1998), **Organizational Theory and Design**, New York, South - Western

○ در دوران رقابت  
فشرده و فزاینده‌ای که  
سرمایه برای توسعه و  
انباشت جنون‌آمیز خود  
پدید آورده است، مفهوم  
استراتژی و تفکر  
استراتژیک، سراسر زندگی  
اقتصادی، اجتماعی و  
مدیریتی شمال را  
درب‌گرفته و بویژه در سده  
اخیر، آثار شگرفی بر  
حوزه‌های مدیریتی و  
بازرگانی در عرصه رقابت‌های  
داخلی و بین‌المللی  
کشورها داشته است.

○ پس از رویدادهای یازدهم سپتامبر و حمله به افغانستان و عراق، بازار نظریه پردازیهای صلیبی ساموئل هانتینگتون دوباره رونق گرفته و او با حضوری جسّدی تر، از دانشگاه هاروارد و مرکز مطالعات استراتژیک الین (در آمریکا) به سطح مطبوعات و رسانه‌ها خزیده و نظریات خود را پیرامون برخورد تمدن‌ها، با پردازشهای جدید عرضه و القامی کند.

۲۲۷. هانتینگتون، سی. بی (۱۳۸۰)، «اسامه بن لادن هویت مشترک را به غرب بازگرداند»، روزنامه ایران، بیست و هشتم آبان.

228. Eichengreen, Barry (1996), **Globalizing Capital: A History of International Monetary System**, Princeton, Princeton University Press.

229. O'Rourke, Kevin H., and Williamson, J.G. (1999), **Globalization and History: The Evolution of a Nineteenth Century Atlantic Economy**, Cambridge, Mass., MIT Press.

230. Huntington, S.P. (1997), op.cit.

231. Lewis, Bernard (2002), **What Went Wrong? Western Impact and Middle Eastern Press**, Response, Oxford, Oxford University.

۲۳۲. کاکائی، قاسم (۱۳۸۱)، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایسترا اکهارت، تهران، انتشارات هرمس و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.

۲۳۳. مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸)، پیشین، جلد اول.

۲۳۴. فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۷۶)، شاهنامه، تهران، نشر قطره.

۲۳۵. فقیه، نظام‌الدین (۱۳۸۲)، «رموز تحول و توسعه در سیستم‌های انسانی»، پیشین.

۲۳۶. مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۶۸)، پیشین، جلد دوم.

۲۳۷. همان، جلد اول.

College Publishing.

219. Mansfield, R. (1996), **Concept of Strategy**, In **International Encyclopedia of Business & Management**, Vol. 5, London, Edited by Warner, M., Routledge.

220. Cumming, G.T. and Worely, C.G. (1997), **Organization Development and Change**, New York, South - Western College Publishing.

۲۲۱. بهرامی کرکوندی، عبدا... (۱۳۷۶)، «بررسی نگرش‌های مدیریت تکنولوژی در شرکتهای تولیدی استان اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه تهران.

۲۲۲. هیوز، آرن (۱۳۷۷)، مدیریت دولتی نوین: نگرش راهبردی، سیر اندیشه‌ها، مفاهیم و نظریه‌ها، ترجمه سید مهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی و غلامرضا معمارزاده، تهران، انتشارات مروارید.

۲۲۳. همان.

۲۲۴. جان بیلینس، کن بوث، جان گارت و فیلی ویلیامز (۱۳۶۹)، استراتژی معاصر، نظریات و خط‌مشی‌ها، ترجمه هوشمند میرفخرائی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۲۲۵. قراگوزلو، محمد (۱۳۸۰)، «جنگ دولتها یا برخورد تمدن‌ها؟»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۶۹-۱۷۰، صص ۴۰-۴۹.

۲۲۶. برژینسکی، زیگنیو (۱۳۶۸)، «گفتگو با ناتان گاردس»، روزنامه اطلاعات، اوّل دیماه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی